دوفصلنامه طب جنوب
پژوهشكده زيست- پزشكي خليج فارس
مركز تحقيقات طب گرمسيري و عفوني خليج فارس
دانشگاه علوم پزشكي و خدمات بهداشتي درماني بوشهر
سال دهم، شماره ۱، صفحه ۹۰ - ۸۲ (شهريور ۱۳۸۶)

آسيب‌شناسي بافت معماري تاريخي- فرهنگي بندر بوشهر از ديدگاه شهرسازي، فرهنگي و بهداشتي

داريوش رنجبر[۱]، دكتر ايرج نبي‌پور*[۲]، عماد شيرويس[۳]، عنايت هاشمي[۴]، دكتر كامران ميرزايي[۵]

[۱ و ۴] كارشناس ارشد بهداشت محيط، آموزشكده بهداشت، دانشگاه علوم پزشكي بوشهر
[۲] دانشيار بيماري‌هاي داخلي، مركز تحقيقات طب گرمسيري و عفوني خليج فارس
[۳] پژوهشگر، مركز تحقيقات طب گرمسيري و عفوني خليج فارس
[۵] استاديار پزشكي اجتماعي، دانشكده پزشكي، دانشگاه علوم پزشكي بوشهر

چكيده

زمينه: امروزه به بافت‌هاي معماري تاريخي- فرهنگي بعنوان ثروت‌هاي فرهنگي محلي نگريسته مي‌شود. بافت تاريخي- فرهنگي بندر بوشهر، يكي از بي‌نظيرترين بافت‌هاي معماري شهري است كه در نتيجة رشد پرشتاب شهري، رو به ويراني گذاشته است. از اين رو با ديدن ميان رشته‌اي، اين پژوهش ديدگاه مردم ساكن اين بافت را براي ترسيم طرح آسيب شناسانة آن جستجو نمود.

مواد و روش‌ها: در يک مطالعة توصيفي- مقطعي، با ابزار پرسشنامه‌اي، ديدگاه ساكنين واحدهاي مسكوني بافت تاريخي- فرهنگي بوشهر كه به صورت نمونه‌گيري چند مرحله‌اي خوشه‌اي تصادفي انتخاب شده بودند مورد بررسي قرار گرفتند. پرسشنامه چهار گسترة اجتماعي، بهداشتي، شهرسازي و ميراث فرهنگي اين بافت را مورد چالش قرار داد.

يافته‌ها: تعداد ۲۱۸ واحد مسكوني بافت تاريخي- فرهنگي بوشهر مورد بررسي قرار گرفت. يک پنجم افراد مورد بررسي آشنايي با مقولة ميراث فرهنگي داشتند ولي بيش از ۶۰ درصد از آنها موافق بودند كه بافت قديم بوشهر به شكل سنتي باز زنده سازي شود. اما بيش از ۸۰ درصد از آنها هيچگونه تسهيلاتي جهت بهسازي منازل خود دريافت نكرده بودند. افراد مهمترين عامل در ارتباط با سلب امنيت را مواد مخدر (۵۲/۸ درصد) عنوان نمودند. مهمترين انتظار مردم از شهرداري بافت قديم بوشهر، بهسازي و باز زنده سازي منازل بود (۳۶/۷ درصد) و ۲۴/۹ درصد آنها نيز خواستار بازسازي و بهسازي معابر و كوچه ها بودند. مهمترين نياز بهداشتي محله نيز از نظر مردم، ايجاد شبكة جمع‌آوري فاضلاب و جمع‌آوري مرتب و منظم زباله بود.

نتيجه‌گيري: مردم ساكن بافت تاريخي- فرهنگي بوشهر به حفظ واحدهاي مسكوني خود به عنوان يک ميراث فرهنگي علاقمند هستند ولي مشكلات شهرسازي و بهداشتي شامل شبكة فاضلاب، جمع‌آوري زباله و عدم حمايت سازمان‌هاي ذيربط از باز زنده سازي اين بافت فرهنگي- تاريخي معماري ايران از مسائل ريشه‌اي آن است.

واژگان كليدي: فرهنگ، بهداشت، شهرسازي، فاضلاب
دريافت مقاله: ۱۳۸۵/۱۰/۴ - پذيرش مقاله: ۱۳۸۶/۵/۶

---

* اين پروژه از پروژه‌های مصوب مركز تحقيقات طب گرمسيري و عفوني خليج فارس است.

** بوشهر، خيابان امام خميني، مركز تحقيقات طب گرمسيري و عفوني خليج فارس، كد پستي: ۶۳۴۴۸-۷۵۱۴۷ Email: nabipourpg@bpums.ac.ir

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-09-14]

مقدمه

از زمان دو جنگ جهاني، جنبش حفظ ميراث فرهنگي «در نگرش مدرن آن» تمام گيتي را درنورديد كه فرآوردة آن در كنوانسيون يونسكو در زمينة محافظت از ميراث طبيعي و فرهنگي جهان متجلي است. در همين هنگامه، نگرش به سوي مشاركت تمام بخش‌هاي جامعه، تمايل به محيط زيست و آگاهي از مرزهاي رشد و نياز به مديريت توسعة پايدار ومنابع سوق نمود (۱).

از اين رو تفكر حفظ و نگهداري ميراث معماري و بافت هاي تاريخي، به معناي ثبت و سكون تاريخ نقلي در مكان نبوده و نمي‌بايست بعنوان طغياني ضد مدرن قلمداد شود، بلكه در سيماي كلي آن بايد بعنوان بخشي از فرآيند شهرسازي مدرن نگريسته شود (۲).

حفظ بافت‌هاي تاريخي- فرهنگي شهري مي‌تواند روح جمعي مردمان آن جامعه را زنده نگهداشته و در ايجاد چنين تداوم فرهنگي و حافظة مشترک آنان مشاركت كند. هر چند كه مي دانيم تكنيک‌هاي ساختمان سازي آكادميک و فرم‌هاي معماري مي‌توانند محيط يكساني در سراسر جهان خلق كنند ولي بايد دانست كه حفظ و مرمت مناطق تاريخي و سازه‌هاي تاريخي شهري، كنشي سنجيده و فكورانه است كه مي‌تواند در نگهداري و توسعه ارزش‌هاي اجتماعي و تنوع و گوناگوني فرهنگي هر ملت نقش ايفاء كند. اين جنبش مي‌تواند در غناي معماري ميراث فرهنگي جهان نيز اثر ژرفي بگذارد (۳).

ترجمان اين گفتار بدين صورت است كه همانگونه كه هر زباني، بخشي از حافظة تجربة انساني است وهمة زبان‌ها بايد حفظ شوندكه ماهيت كلي تجربة انساني حفظ شود، بافت‌هاي تاريخي معماري هر شهري نيز اينگونه تعبيري دارد؛ يعني جغرافياي غناي ميراث معماري جهان از جزيره‌هاي معماري‌هاي متنوع و گوناگون بي‌شماري ساخته شده است كه حفظ و نگهداري هر كداميک از اين يادمان‌ها به مثابة پاسداشت از غناي ميراث فرهنگي و تاريخي جهان است. از ديدگاه عملي، حفظ شهرهاي تاريخي و ميراث مناطق شهري، نياز به مطالعة فعاليتي ميان رشته‌اي (multidisciplinary) است كه نيازمند به دانش باستان‌شناسي، تاريخ، معماري، فنآوري‌هاي روز و صنايع دستي، جامعه شناسي و اقتصاد دارد (۴).

هرچند در محاورة عادي و قابل درک، احتياج به مرمت ساختمان، امري است كه با خود بنا به وجود مي‌آيد، در مراحل نخستين، مسئله‌اي حاد، ظريف يا پيچيده شمرده نمي‌شود، ولي با گذشت زمان، يعني به علت تغيير شرايط اولية ساختمان و تغييرپذيري شرايط كاربرد و بهره‌وري از بنا، باز زنده سازي معماري به شكل‌هاي تازه مطرح مي‌گردد و به تناسب كميت زمان، و در پيوستگي با كيفيت‌هاي مربوط به تغييرهاي دوگانه، به صورت مسئله‌اي پيچيده در مي‌آيد كه موضوع كار معماران و متخصصان باز زنده سازي بناهاي قديمي است. فرسودگي مصالح ساختماني به دلايل مختلف، بوجود آمدن تغيير شكل‌هاي موضعي و عمومي در استخوان بندي بنا، تأثير پذيري از پديده‌هاي دوره‌اي و پيش بيني نشدة اقليمي و طبيعي، چه در سطح زمين، چه در بخش‌هاي مجاور و چه قسمتي كه درون خاک قرار گرفته، براي مرمت كنندگان بناها، بعنوان مسائل فني مطرح مي‌شوند و به علت همبستگي با رشته‌هايي از مسائل ديگر، موضوع طراحي براي باز زنده سازي معماري را از حيطة كالبدي آن خارج مي‌كنند (۵).

از سوي ديگر، برنامه و طرح‌هاي حفظ و نگهداري

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-09-14]

بافت‌هاي تاريخي نياز توجه به ارتباط هارمونيک ميان مناطق شهري تاريخي و خود شهر در يک کليت فراگير دارد (۴).

از اين رو، بدليل پيچيده بودن حفظ ميراث معماري و مناطق تاريخي شهري، نه تنها مرمت اين ساختارها نياز به رهيافتي ميان رشته‌اي است، بلکه آسيب شناسي و طراحي برنامة جامع نگهداري و باز زنده سازي آن نيز نيازمند نگاهي پاتوفيزيولوژيکي که در طب باليني مصداق دارد مي‌باشد. به زبان ديگر همانگونه که در منشور ايکوموس درمورد اصول آناليز، نگهداري و باز زنده سازي ميراث معماري در سال ۲۰۰۳ آمده است، براي آسيب شناسي بافت‌هاي تاريخي-فرهنگي شهري، رهيافتي گام به گام که درتشخيص‌هاي افتراقي بيماري‌ها در طب بکار مي‌رود مي‌بايست بکار برد (۶).

در اين گذار آسيب شناسانه، نگاه به تودة مردمي که در لابلاي کوچه‌ها و ساختمان‌هاي بافت‌هاي تاريخي زيست مي‌کنند، نخستين گام است. زيرا همانگونه که در بيانية آمستردام (۱۹۷۵) آمده است، زندگي ميراث فرهنگي فقط هنگامي ادامه خواهد يافت که از سوي عامة مردم وبه ويژه از سوي نسل‌هاي جديد، قدر نهاده شود (۵).

بافت معماري تاريخي بندر بوشهر، يکي از بي‌نظيرترين بافت‌هاي تاريخي شهري است که عناصر معماري آن بسيار تحسين برانگيز بوده و سبک معماري ميلاني و کرانه‌اي را در والاترين حد زيبايي خود رخنمود مي‌کند (۷).

اين بافت در گذر زمان و رشد پرشتاب توسعة شهري، رو به ويراني گذاشته است، از اين رو با ديدي چند رشته‌اي و رهيافتي پاتوفيزيولوژيک، در اين پژوهش ما در پي آنيم تا ديدگاه‌هاي مردمان ساکن در تار و پور اين بافت را براي ترسيم طرح آسيب شناسانة آن جويا شويم.

مواد و روش‌کار

روش پژوهش به صورت توصيفي مقطعي بوده و از پرسشنامه به عنوان ابزار جمع‌آوري اطلاعات اين پژوهش استفاده شده است.

پرسشنامة اوليه با نظر کارشناسان و پژوهشگران دانشگاه طرح ريزي شد و سؤالات در يک کار گروه ميان رشته‌اي با متخصصين دانشگاه، ميراث فرهنگي، بنياد ايران شناسي شعبة استان بوشهر، شهرداري بافت تاريخي– فرهنگي بندر بوشهر و چند نفر از ساکنين بومي از محلات قديمي بندر بوشهر مورد بحث و بازبيني قرار گرفت و پس از تأييد روايي از نظر کلينيک‌هاي بازپس‌گيري اطلاعات, در قالب پرسشنامة پژوهشی در ميدان پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

اين پرسشنامه چهار گسترة اجتماعي (۵ سؤال)، بهداشتي (۱۲سؤال)، شهرسازي (۵ سؤال)، فرهنگي بافت تاريخي- فرهنگي بندر بوشهر (۱۰ سؤال) را مورد چالش قرار مي‌داد. امتياز ارائه شده به پاسخ‌ها از نوع ليکرت پنج نقطه‌اي بود که پاسخ‌ها از امتيازهاي صفر الي ۴ به صورت خيلي کم، کم، متوسط، زياد و خيلي زياد مشخص شدند. منطقة بافت تاريخي- فرهنگي بوشهر شامل چهار محلة قديمي بوده که هر منطقه بلوک بندي شده بود. با توجه به تعداد خانوار هر منطقه، نسبت به کل خانوار، ۲۰ درصد خانوارها انتخاب و سپس با توجه به تعداد بلوک‌ها اين تعداد نمونه متناسب با بلوک‌ها توزيع و سپس نمونه‌هاي مورد نظر به صورت تصادفي انتخاب شدند. واحد پژوهش، واحد مسکوني انتخاب شده بود و با مراجعه به درب منازل و مصاحبة حضوري، پرسشنامة مذکور تکميل گرديد.

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-09-14]

یافته‌ها

تعداد ۲۱۸ واحد مسکوني بافت تاريخي- فرهنگي بوشهر مورد بررسي قرار گرفت. از افرادي که مورد پرسشگري قرار گرفتند ۳۳/۳ درصد مذکر و ۶۶/۲ درصد مؤنث بودند. ميانگين سن افراد مورد بررسي (۱۴/۹۰) ۳۵/۷۷ سال بود.

۷۰/۷ درصـد موارد واحدهاي مسکوني توسط خود مالک اشغال شده بودند. در ۵۰/۵ درصد موارد يک خانوار، در ۳۲/۵ درصد دو خانوار و در ۹/۰ درصد سه خانـوار حداقل سکونت داشتند. بعد خانوار ساکن ۱/۹۵ بود و ميانة افراد سـاکن نيز ۶ نفر محاسبـه شد. ميانگين مدت اقامت افراد ۱۷/۵۳ با ميانة ۱۳ سال بود. ميانگين درآمد نيز ۲۳۸/۰۳ هزار تومان گزارش گرديد. از لحاظ سطح سواد، ۱۴/۱ درصد از افراد مورد پرسش قرار گرفته, بيسواد بودند و ۱۷/۵، ۲۵/۷، ۳۳/۰، ۴/۴ و ۵/۳ درصد به ترتيب داراي تحصيلات ابتدايي، راهنمايي، ديپلم، فوق ديپلم و ليسانس به بالا بودند.

از افراد مورد بررسي، ۸۳/۹ درصد مي‌دانستند که محوطة تاريخي زيست آنها بعنوان ميراث فرهنگي قلمداد شده است. اما ۴۲/۹ درصد آنها با مقولة ميراث فرهنگي آشنايي کمي و ۳۳/۹ درصد آنها نيز آشنايي متوسطي داشتند و تنها کمتر از يک پنجم افراد آشنايي در خور قبولي با اين مقوله داشتند. اين در حالي بود که ۶۷/۳ درصد از افراد موافق بودند که بافت قديم بوشهر به شکل سنتي فعلي خود حفظ شود. بيش از ۶۰ درصد از ساکنين محلات از خطر ريزش واحد مسکوني خود در هراس بودند و ۸۴/۹ درصد از افراد ابراز نمودند که تاکنون از طرف سازمان‌هاي مربوطه، تسهيلاتي جهت بهسازي منازل خود دريافت نکرده‌اند.

مهمترين انتظار مردم از شهرداري بافت قديم بوشهر، بهسازي و بازسازي منازل بود (۳۶/۷ درصد) و ۲۴/۹ درصد از افراد نيز خواستار بازسازي و بهسازي معابر و کوچه‌ها بودند و ۱۱/۹ درصد از افراد نيز تخريب واحدهاي مخروبه و پاکسازي محله را تقاضامند بودند.

از نظر آنها، تجمع زباله (۳۷/۶ درصد)، ساختمان‌هاي مخروبه و در حال ريزش (۲۱/۶ درصد)، تجمع نخاله‌هاي ساختماني (۱۴/۲ درصد) و حيوانات ولگرد (۹/۲ درصد) از عوامل سلب آسايش در محله بوده‌اند. افراد مهمترين عامل در ارتباط با سلب امنيت در بافت قديم را مواد مخدر (۵۲/۸ درصد)، سرقت (۱۰/۸ درصد)، اوباش (۴/۶ درصد) و مهاجرين غير ايراني (۲/۸ درصد) عنوان نمودند.

مهمترين نياز بهداشتي محله نيز از نظر مردم ايجاد شبکة جمع‌آوري فاضلاب (۲۷/۵ درصد)، جمع‌آوري مرتب و منظم زباله ها (۲۳/۹ درصد) رفع کمبود مقدار و فشار آب لوله کشي (۱۶/۵ درصد)، بهسازي معابر و کوچه‌ها (۹/۲ درصد) و ساخت مستراح‌هاي بهداشتي (۹/۲ درصد) عنوان شد. مهمترين جانور موذي و ولگرد از نظر مردم موش (۸۴ مورد) مگس و پشه (۴۵ مورد) و سوسک (۴۶ مورد) بود.

بيش از ۷۰ درصد از مردم هيچگونه دسترسي به کتابخانه، کانون فرهنگي، ورزشي و تفريحي نداشتند.

از لحاظ اجتماعي- امنيتي، فقط ۲۰/۶ در صد از مردم از شرايط امنيتي نارضايتي داشتند و اکثريت ساکنين از عملکرد نيروي انتظامي راضي بودند.

جدول شمارة ۱ توزيع فراواني و مطلق پاسخ‌هاي مردم در زمينة مسائل اجتماعي، بهداشتي، شهرسازي و سازمان ميراث فرهنگي بوشهر را به تفکيک شدت موافقت آنها نشان مي‌دهد.

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-09-14]

جدول ۱: ديدگاه و ميزان رضايت مردم ساكن بافت تاريخي- فرهنگي بندر بوشهر در گستره‌هاي اجتماعي، بهداشتي، شهرسازي و ميراث فرهنگي

		خيلي زياد	زياد	متوسط	كم	خيلي كم
اجتماعي	رضايت از امنيت	۱۴/۲*	۲۸/۹	۲۳/۹	۸/۷	۱۱/۹
	رضايت از خدمات نيروي انتظامي	۵/۵	۳۰/۳	۳۳/۰	۱۴/۷	۱۱/۹
	مشكل با مواد مخدر	۲۴/۳	۲۸/۴	۱۴/۷	۱۳/۳	۱۰/۶
بهداشتي	رضايت از كيفيت آب	۳/۷	۳۲/۶	۳۴/۹	۱۸/۳	۹/۷
	رضايت از مقدار آب لوله كشي	۱/۸	۱۱/۹	۳۸/۱	۳۷/۶	۹/۲
	رضايت از مقدارفشار آب لوله كشي	۱/۸	۱۲/۴	۲۰/۲	۳۹/۴	۱۹/۳
	رضايت از شهرداري در پاكسازي جداول معابر	۰/۵	۲۰/۲	۲۹/۸	۳۰/۳	۱۶/۱
	رضايت از شهرداري در جمع آوري زباله	۱۰/۱	۳۸/۱	۱۷/۰	۲۲/۰	۱۰/۱
	رضايت از فضاي منزل مسكوني	۶/۴	۳۹/۹	۲۹/۴	۱۳/۳	۵/۵
	رضايت از نور طبيعي منزل	۸/۷	۵۳/۲	۵۲/۲	۹/۲	۳/۲
	رضايت از تهويه منزل	۱۰/۱	۴۷/۲	۲۸/۴	۹/۶	۱/۸
شهرسازي	رضايت از كوچه ها و معابر محله	۱/۸	۳/۳	۳۰/۷	۲۵/۷	۲۷/۵
	رضايت از وضعيت برق رساني	۸/۷	۴۸/۲	۳۲/۶	۹/۲	۱/۴
	رضايت از روشنايي معابر و كوچه‌ها	۷/۸	۲۹/۴	۳۳/۰	۲۱/۱	۷/۳
ميراث فرهنگي	نگران از خطر ريزش واحد مسكوني	۷/۸	۲۶/۱	۲۰/۶	۲۲/۵	۱۹/۳
	دسترسي به مصالح جهت بازسازي سنتي	۱/۴	۵/۵	۱۴/۷	۵۳/۳	۲۱/۱
	رضايت از سياست ميراث فرهنگي	۳۷/۷	۱۰/۶	۲۸/۴	۱۵/۱	۲۶/۱
	موافقت با حفظ بافت قديم به عنوان ميراث فرهنگي	۱۸/۳	۳۶/۲	۱۲/۸	۱۰/۱	۱۴/۲
	ميزان آشنايي با ميراث فرهنگي	۱/۸	۱۶/۵	۳۳/۹	۲۲/۹	۲۰/۲

* اعداد بصورت درصد هستند.

بحث

در اين مطالعه بيش از ۸۰ در صد از ساكنين بافت قديم بوشهر مي‌دانستند كه محوطة تاريخي زيست آنها، بعنوان ميراث فرهنگي قلمداد شده است. از دير باز در منابع و توليدات ادبيات معماري- شهرسازي كشورهاي اروپاي مركزي، اصطلاح «ميراث‌هاي فرهنگي ملي» جاي خود را به اصطلاح ديگري كه

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-09-14]

مي‌تواند به فارسي «ثروت‌هاي فرهنگي محلي» گفته شود، داده است (۸). به زبان ديگر، ميراث شهري، عمده‌ترين دارايي براي توسعة كيفيت زندگي، حيات اقتصادي و ديناميسم مناطق شهري است (۹).

از اين رو آشنايي تودة مردم كه زيستمندان تأثير گذار در حيات بافت‌هاي شهري تاريخي هستند با مقولة ميراث فرهنگي و معماري در تداوم حيات اين مناطق و حفظ اين دارايي‌ها بسيار حياتي است.

اما متأسفانه هرچند كه تودة مردم بافت قديم بوشهر مي‌دانستند كه مكان زيست آنها جزء ميراث معماري است, اما ۴۲/۹ درصد آنان با مقولة ميراث فرهنگي آشنايي كمي و ۳۳/۹ درصد نيز آشنايي متوسطي داشتند. اين موضوع بسيار در خور تأمل است, زيرا تودة مردم كه زندگي جاري آنها موجب رونق حيات در بافت‌هاي تاريخي- فرهنگي مي‌شود مهمترين بخش در رهيافت ميان رشته‌اي براي حفظ و زنده سازي معماري تاريخي مي‌باشند كه اين خود لزوم توجه مسئولين ميراث فرهنگي به آشنايي مردم با فعاليت‌هاي ميراث فرهنگي را مي‌طلبد. اما نكتة جالب در اين گذار آن بود كه ۶۷/۳ درصد از همين مردم موافق بودند كه بافت قديم بوشهر به شكل سنتي فعلي خود حفظ شود. اين نگرش خود ذخيره‌اي عظيم براي دست‌اندركاران ميراث فرهنگي است تا در باز زنده سازي اين بافت معماري بي نظير كوشا باشند.

بيش از ۶۰ درصد از ساكنين محلات از خطر ريزش واحد مسكوني خود در هراس بودند و اين در حالي است كه اكثر آنها دسترسي به مصالح سنتي جهت بازسازي سنتي منازل خود ندارند و اين در صورتي است كه ۸۴/۹ درصد مردم ابراز نمودند كه تاكنون از طرف سازمان‌هاي ذيربط، حمايتي جهت بهسازي منزل ايشان صورت نگرفته است و ۸۵/۳ درصد نيز ذكر كردند كه تاكنون هيچ تسهيلاتي جهت بازسازي واحد مسكوني خود دريافت نكرده بودند. اين در حالي است كه در كشورهاي پيشرفته، بخش دولتي در كنار بخش خصوصي و مردم، به بازسازي و مرمت سازي ساختمان‌هاي بافت‌هاي تاريخي شهري مي‌پردازد و تا ۵۰ درصد از هزينه‌هاي مربوطه را نيز خود پرداخت مي‌كند (۸).

از لحاظ اجتماعي- امنيتي، فقط ۲۰/۶ درصد از مردم از شرايط امنيتي نارضايتي داشتند و اكثريت ساكنين از عملكرد نيروي انتظامي راضي بودند. اما همانگونه كه از لحاظ درآمدي (ميانه ۲۰۰ هزار تومان) و بعد افراد ساكن در منازل (ميانه ۶ نفر) برمي‌آيد، بافت تاريخي- فرهنگي بوشهر همانند ديگر بافت‌هاي تاريخي فراموش شدة كشور، توسط افراد با درآمد پايين اجتماعي اشغال شده است و هرچند كه ۷۰/۷ درصد از ساكنين، خود مالک منازل مسكوني هستند ولي ميانة مدت اقامت آنها ۱۳ سال است كه نشان دهندة جوان بودن بافت اجتماعي اين منطقه است و حاكي از آن است كه اكثر ساكنين بومي بافت قديم بوشهر، مهاجرت كرده‌اند.

ساكن بودن قشر ضعيف و آسيب پذير جامعه در بافت قديم بوشهر، شرايط را براي زيست معتادين و پخش مواد مخدر مهيا نموده است بطوري كه عمده‌ترين مسئلة اجتماعي ساكنين كنوني بافت تاريخي بوشهر، نگراني از وجود معتادين به مواد مخدر و پخش مواد افيوني بوده است و تنها ۱۰/۱ درصد افراد نگراني امنيتي خود را از سرقت عنوان كردند و برعكس برداشت رايج و نادرست، ۹۷/۲ درصد افراد اصلاً نگران حضور مهاجرين غير ايراني در بافت نبودند. متأسفانه ۷۰/۲ درصد مردم، دسترسي به كتابخانه، كانون فرهنگي، ورزشي و تفريحي در بافت قديم بوشهر ندارند. اين در حالي است كه تمام فعاليت‌ها و

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-09-14]

فونكسيوني كه در بخش‌هاي مدرن شهر وجود دارند نيز مي‌بايست در بافت‌هاي تاريخي جاري باشند تا حيات روزمرة ساكنين آن مورد تهديد قرار نگيرد (۱۰). از اين رو وجود كانون هاي فرهنگي و نهادهاي فرهنگي مدني، مي‌تواند در پربار شدن و غناي اجتماعي- فرهنگي اين مناطق مؤثر باشند.

از لحاظ بهداشت و كيفيت آب (طعم و بو، رنگ و كدري) هر چند اكثر مردم رضايت نسبي داشتند ولي از سيستم آب رساني و فشار آب لوله كشي اظهار نارضايتي مي‌كردند. هر چند كه در بخش مدرن بندر بوشهر، مسئله آب‌رساني بصورت مزمن وجود دارد ولي به نظر مي‌رسد كه اين مسئله در بخش بافت قديم شدت بيشتري داشته باشد. خوشبختانه در مورد برق رساني به منازل مسكوني تنها ۱۰/۶ درصد مردم ابراز نارضايتي مي‌كردند ولي در مورد روشنايي معابر و كوچه‌ها ميزان نارضايتي فزوني مي‌يافت (۲۸/۴ درصد).

در شهر سازي پسامدرن، به مسئله محيط زيست و تأمل با شرايط اكولوژيک فيزيكي محيط و انرژي نگاه جامع و هولستيک مي‌شود (۱۱ و ۱۲). معماري سنتي ايران نيز در همزيستي با محيط طبيعي، ترفندهاي فراواني را از خود نشان داده است. معماران بافت قديم بوشهر نيز، هنگامي كه نقشه زمين به آنان اجازه مي‌داده است، ساختمان را در راستاي شرقي- غربي بنا كرده‌اند كه براي فرار از تابش‌هاي تند آفتاب در غرب و شرق و بهره‌جويي از بادهاي شمال غربي و جنوب شرقي بسيار كارآمد است و در پيكرة شمالي و جنوبي آن نيز بازشوهاي فراواني كار گذاشته‌اند تا كوران هوا در اندرون اتاق‌ها، محيطي دلنشين و آسايش بخش را فراهم آورد. زيرا تهوية طبيعي از جمله عوامل اولية تعيين كنندة سلامت و آسايش انسان است (۷ و ۱۳).

همانگونه كه اشاره شد، بازگشت به نگاه جامع نگر و تركيبي انساني، خانه و محيط زيست در معماري پسامدرن موجب شده است كه مقولة كيفيت زندگي (quality of life) نيز معنا يابد. بطوري كه در هزارة جهاني سازي، در معادلات شهرسازي به جزءِ كيفيت زندگي، وزن بسيار زيادي مي‌دهند. در هر صورت ساكنين بافت قديم، بدليل تمهيدات معماران چيره دست سنتي، از شرايط تهوية ساختمان خود رضايت داشتند. اين شرايط براي ايجاد احساس آسايش و ارتقاء كيفيت زندگي در معماري پسامدرن نقش كليدي دارد (۷).

هر چند از ديد تاريخي، احداث فاضلاب‌هاي عمومي شهري، بدليل كمبود آب و در نتيجه حداقل مصرف آن براي خانه‌ها و اماكن عمومي، در ايران چندان محسوس نبوده است (۸)، اما با رشد پر شتاب توسعة شهري سيستم شبكه بندي فاضلاب بافت‌هاي قديمي بعنوان مسئله‌اي مهم خود را نشان داده است. بطوري كه مردم در اين پژوهش، مهمترين نياز بهداشتي محلة خود را ايجاد شبكة جمع آوري فاضلاب در بافت قديم عنوان نمودند.

بررسي تاريخي بهداشت بافت قديم در لابلاي گزارش‌هاي نمايندگي بريتانياي بزرگ در بوشهر در دوران قاجار نشان مي‌دهد كه شبكة فاضلاب بافت قديم بوشهر از همان مسائلي رنج مي‌برده است كه اكنون رو به فزوني گذاشته است. در اين گزارش چنين آمده است: پس مانده‌ها و فاضلاب، چه با منشاء حيواني و چه انسان به صورت غير قابل تمايز از يكديگر در كوچه‌هاي خاكي ريخته يا پرتاپ مي‌شدند. بسياري از خانه‌ها، خروجي فاضلاب خود را به درون اين كوچه‌ها باز مي‌كردند، هر چند ممكن بود در خانه‌هايي از چال فاضلاب براي اين منظور استفاده كنند اما محتويات اين چال هاي در حال گنديدگي به

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-09-14]

درون چاه‌هايي كه وجود داشت تخليه مي‌شد و بوي زننده‌شان، هواي خانه‌ها و شهر را آكنده مي‌كرد (۱۴). كنسول بريتانيا در بوشهر چنين نتيجه‌گيري كرده بود: "بوشهر به صورت كلي و به ويژه مركز آن يک مكان ناپاک و كثيف است." (۱۴)

اين شواهد نشان مي‌دهد كه مسئلة فاضلاب شهري در بوشهر از مسائل بنيادي و ريشه‌اي اين شهر بوده و هست و هر گونه اقدامي براي حفظ و زنده سازي اين بافت مهم تاريخي بدون نگاه ويژه به احداث شبكة فاضلاب شهري در اين منطقه مسلماً محكوم به شكست است و لذا فوري ترين اقدام براي نجات اين معماري تاريخي، طرح مطالعاتي احداث شبكه فاضلاب شهري است.

مسئلة دوم بهداشتي و اولين مسئلة شهري كه مردم به آن اشاره كردند، تجمع زباله در بافت قديم و ناتواني شهرداري از برداشت زباله و بهسازي معابر و جداول بود بطوري كه بيش از ۹۰ درصد از مردم از اين مشكل گلاية عمده داشتند.

در يک فراگرد كلي مي‌بينيم كه عنوان نمودن اين محوطه شهري بعنوان ميراث فرهنگي و نگهداشت خانه‌ها با ديد موزه‌اي و بدون نگاه به مسائل اجتماعي- شهري و بهداشتي مردمي كه در تار و پود اين شبكه زندگي مي‌كنند, مي‌تواند نه تنها در زنده سازي و رونق آن مؤثر نباشد بلكه موجب تخريب فزايندة آن شود. از اين رو در رهيافتي سيستماتيک، حفظ و نگهداري ميراث معماري بايد در گفتمان نزديک با حيات اجتماعي، زيست محيطي و در هارموني با سازگاري با زندگي مدرن باشد (۱۰) و نگاه تک عنصري به ساختمان‌هاي منفرد بافت‌هاي تاريخي، فارغ از ساختار پيچيده و كمپلكس جامعه شهري آن، مي‌تواند موجب كشتن روح زندة جاري در متن اين بافت‌ها شود (۱۵). مسلماً مرمت مقطعي و حفظ يک يا دو بنا نمي‌تواند جوابگو باشد. بلكه مجدداً بايد خون در شريان‌هاي اقتصادي اين بافت‌هاي از ياد رفتة تاريخي جريان پيدا كند و با وضع قوانين و ضوابط جديد و مشخص نمودن عملكردها و كاربردهاي مناسب با شرايط امروز و همچنين تأمين خدمات شهري و مدرن، اين مناطق را به بخش‌هايي ديدني، فرهنگي، فعال و اقتصادي تبديل نمود. در كشورهاي ديگر با سوابق تاريخي به مراتب كمتر از ما، اين رنسانس يا تجديد حيات بافت‌هاي قديمي شهرها، سال‌ها است كه صورت گرفته و به نتايج مطلوب اجتماعي و اقتصادي رسيده و در كشور ما نيز مي‌توان به نتايجي مشابه دست يافت.

References:

1. Jokilehto J. International trends in historic preservation: From ancient monuments to living cultures. (Accessed August 24, 2007, at http://www.jstor.org.)
2. Heathcott J. Curating the city: Challenges for historic preservation in the twenty-first century. J Plan Hist 2006;5:75-83.
3. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). Conclusions of the national seminar on the preservation of urban heritage in Cambodia. Phnom Penh, 16-17 Jaunary 2006.
4. Documentation Center UNESCO – ICOMOS. Charter for the conservation of historic towns and urban areas (Washington charter-1987). (Accessed August 24, 2007, at http://www.international . icomos. Org).

۵. فلامكي م م. باز زنده سازي بناها و شهرهاي تاريخي. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴،ص ۵-۲۴.

6. Documentation Center UNESCO-ICOMOS. ICOMOS charter- principles for the analysis, conservation and structural restoration of architectural heritage (2003). (Accessed August 24,2007, at http:www.international. icomos.org).

۷. نبي پور ا. معماري بوشهر، سمفوني رنگ، نور و باد. انتشارات دانشگاه علوم پزشكي بوشهر، ۱۳۸۵، ص ۳۴-۱.

۸. فلامكي م م. سيري در تجارب مرمت شهري- از ونيز تا شيراز.

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-09-14]

a holistic approach for the urban environment and its ompact on energy utilisation in baildings: the ATREUS project. J Envirom Monit 2004;6:841-8.

۱۳. كسمايي م. اقليم و معماري. ويراست دوم. شركت سرمايه گذاري خانه سازي ايران، ۱۳۸۲، ص ۶۳.

۱۴. فلور و. سلامت مردم در ايران قاجار. ترجمة دكتر ايرج نبي پور. انتشارات دانشگاه علوم پزشكي بوشهر، ۱۳۸۵، ص ۳۰۱.

15. Rypkema D. Ecoonomics, sustainability, and historic preservation, The National Trust Annual Conference, Protland, Oregon, October 1, 2005.

چاپ دوم، نشر قضا، ۱۳۸۴، ص۲۹-۳.

9. Global Urban Development Progects. Urban heritage as an economic asset. (Accessed August 24, 2007, at http://www.globalurban.org/pro-urb-heritage.htm).
10. Brkovic MB. Urban Heritage between historic preservation and development: planners perspective. Architect Civil Engin 1997;1:483-92.
11. Hanna KS, webber SM, Slocombe DS. Integrated ecological and regional planning in a rapid – growth setting Environ Manage 2007 Jun 9;[Epub ahead of print].
12. Papadopoulos AM, Moussiopoulos N. towards

[Downloaded from ismj.bpums.ac.ir on 2026-09-14]